از میان خبرها

کشف بیش از ۱۴۰ هزار انواع موادمحترقه در پایتخت

رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ از کشف بیش از ۱۴۰ هزار انواع مواد محترقه از سوی ماموران این پلیس خبر داد. سردار علی ذوالقدری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اقدامات پلیس برای چهارشنبه‌سوری اظهار کرد: ماموران پلیس امنیت عمومی در روزهای پایانی سال علاوه بر این که در بحث مقابله با احتکار و سوءاستفاده برخی افراد از کرونا فعال هستند مسائل مربوط به چهارشنبه سوری را نیز با حساسیت ویژه پیگیری می کنند به طوری که در روزهای اخیر همکاران من در دو عملیات بیش از ۱۴۰ هزار عدد انواع مواد محترقه را در دو نقطه از پایتخت کشف و ضبط کردند.
وی با بیان این که در این دو عملیات دو نفر دستگیر شدند گفت: این افراد برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا شدند.

پیداشدن جسد ۷ پناهجوی قاچاق در مرز ایران و ترکیه

استاندار وان در بیانیه ای از کشف هفت جسد متعلق به پناهجویان غیرقانونی در منطقه چالدران در یک کیلومتری مرز ایران خبر داد. به نوشته تلویزیون NTV، در نتیجه تلاش های تیم های ژاندارمری و مدیریت بحران ترکیه هفت جسد پناهجویان غیرقانونی که ملیت های افغانستانی، پاکستانی و سوری دارند در مرز ایران–ترکیه از زیر برف بیرون کشیده شده اند. به گزارش رکنا، این پناهجویان که بعد از عبور از مرز در برف محصور مانده و جان خود را از دست داده اند، بعد از هفته ها دفن در زیر برف با گرم شدن هوا و گزارش اهالی منطقه مبنی بر وجود اجساد توسط نیروهای ژاندارمری بیرون کشیده شده اند. اجساد این پناهجویان به پزشکی قانونی وان منتقل شده است.

قتل مرد ۳۹ ساله به خاطر هندوانه!

مشاجره لفظی در خرید هندوانه، قتل مرد ۳۹ ساله میوه فروش را در شهرستان لاهیجان رقم زد.
به گزارش رکنا، فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان اعلام کرد: گزارشی از وقوع درگیری منجر به جرح بین دو نفر در یک میوه فروشی یکی از مناطق حاشیه شهر لاهیجان به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ اعلام شد و بلافاصله تیم های امدادی و انتظامی به محل اعزام شدند. سرهنگ قاسم جانعلی پور افزود: پس از حضور نیروهای امدادی و انتظامی در محل درگیری و انتقال فرد مجروح به بیمارستان، این مرد ۳۹ ساله به علت شدت جراحات وارد شده بر اثر ضربات چاقو جان باخت. وی با بیان این که با تحقیقات همه جانبه پلیسی و بررسی آثار و علایم به جامانده در صحنه قتل، قاتل شناسایی شد و دستگیری وی و همدستانش در دستور کار ماموران پلیس آگاهی قرار گرفت خاطرنشان کرد: قاتل ۲۷ ساله و دو همدست ۲۷ و ۲۸ ساله وی، در کمتر از سه ساعت هنگام خروج از شهرستان لاهیجان دستگیر شدند. فرمانده انتظامی شهرستان لاهیجان تصریح کرد: قاتل در بازجویی پلیس انگیزه خود را از قتل، مشاجره لفظی در خرید هندوانه و مصرف مشروبات الکلی اعلام کرد. سرهنگ قاسم جانعلی پور با بیان این که آلت قتل از خانه متهم کشف شد ادامه داد: متهمان با تشکیل پرونده جهت سیر مراحل قانونی به مقام قضایی معرفی شدند.

دستگیری عامل ترویج شرارت و عضویابی افراد شرور در فضای مجازی

کرمانی- سرپرست پلیس امنیت عمومی استان کرمان از دستگیری عامل اشاعه شرارت و عضویابی شبکه ای افراد شرور در فضای مجازی خبر داد.
به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "پارسا" گفت: در پی خبری مبنی بر این که فردی در پیج اینستاگرام خود اقدام به بارگذاری و انتشار تصاویری از قدرت نمایی با چاقو و ارائه راهکارهایی در زمینه های شرارت می کند و در حال فراخوان و عضوگیری افراد شرور و راه اندازی گروهی به نام گروه لوتی است و تعدادی عضو نیز جذب کرده، ماموران بی درنگ مخفیگاه و مشخصات هویت اصلی گرداننده صفحه اینستاگرامی را شناسایی کردند و این متهم طی عملیاتی دستگیر شد. این مسئول انتظامی با اشاره به این که متهم در بازجویی های پلیسی به شرارت و برهم زدن نظم و امنیت عمومی اعتراف کرد، افزود: این متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی تحویل مرجع قضایی و پیج وی توسط پلیس فتا مسدود شد.

اختصاصی خراسان

حکم قصاص قاتل حدیثه ۶ ساله صادر شد

سجادپور- قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی، پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه و بررسی دقیق پرونده قتل «حدیثه کوچولو»، مُهر قصاص نفس را پای این پرونده جنایی کوبیدند.
به گزارش اختصاصی خراسان، ماجرای این پرونده هولناک جنایی، از پانزدهم دی سال گذشته هنگامی آغاز شد که کارکنان بیمارستان امدادی شهید کامیاب مشهد، در میان بهت و ناباوری، پیکر زخم آلود دختر شش ساله ای را به بخش مراقبت های ویژه انتقال دادند. آثار وحشتناک کودک آزاری با سیم داغ و سیگار بر پیکر نحیف «حدیثه» رخ‌نمایی می کرد اما دکتر ک از شدت سوزش جراحت هایش به کمار فت و دیگر دردی را در بدنش حس نمی کرد! زوج جوانی که دختر ک را به بیمارستان برده بودند، ادعا داشتند که «حدیثه» بر اثر واژگون شدن ظرف آب جوش از روی اجاق تک شعله، دچار سوختگی شده است اما زخم های دایره ای شکل روی بدن لطیف کودک حکایت از آن داشت که فردی سیگار روشن را روی بدن «حدیثه» خاموش

کرده است و...
لحظاتی بعد کادر درمانی موضوع را به اورژانس اجتماعی بهزیستی اطلاع دادند و بدین ترتیب نیروهای امدادی در حالی ماجرای وحشتناک کودک آزاری را به قاضی ویژه قتل عمد اعلام کردند که پزشکان معالج از بهبودی دختر ک قطع امید کرده بودند و او دچار مرگ مغزی شده بود.
گزارش خراسان حاکی است، در حالی که با دستورات ویژه قاضی کاظم میرزایی، بازجویی از زوج جوان درباره آثار شکنجه های هولناک روی پیکر دختر ک آغاز شده بود، «حدیثه» دیگر چشمانش را باز نکرد و با همه زجرهایی که در سن کودکی تحمل کرده بود، به جهان باقی شتافت.
«سیاوش» مرد ۳۰ ساله ای که خود نیز سه فرزند خردسال دارد، قصه های متفاوتی را برای فرار از اتهام قتل و کودک آزاری بازگو کرد و مدعی شد که نقشی در مرگ «حدیثه» نداشته است. او گفت: «حدیثه» دختر من نیست! او را چند هفته قبل از یک زن گدا در پنجراه مشهد گرفتم تا از او نگهداری کنم! ولی آن دختر معتاد به مواد مخدر صنعتی بود و مواد مخدر مرا سرقت می کرد! که گاهی مجبور می شدم او را تنبیه کنم!
بنابر گزارش خراسان، در پی اعتراف صریح مرد ۳۰ ساله به شکنجه «حدیثه»، در مراحل تحقیق و بازسازی صحنه جنایت که در حضور قاضی میرزایی صورت گرفت، کیفرخواست این پرونده جنایی با صدور دستورات ویژه و حمایتی از سوی قاضی غلامعلی صادقی (دادستان وقت مرکز خراسان رضوی) صادر شد چرا که پدر و مادر واقعی «حدیثه» در مراحل دادرسی شناسایی نشدند بنابراین مدعی العموم به عنوان تکیه گاه محکم قانونی، حامی این کودک زجر کشیده و بی پناه شد.
این گزارش حاکی است، با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع، این پرونده جنایی به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارجاع شد و توسط قضات با تجربه دادگاه مورد بررسی های دقیق و کنکاش های قضایی قرار گرفت.
در جلسات دادگاه که به ریاست قاضی جواد شاکری (رئیس) و قاضی هادی دنیا دیده (مستشار دادگاه) برگزار شد، سیاوش (متهم به قتل) تلاش کرد تا آثار شکنجه های مخوف را به توهمات ناشی از مصرف مواد مخدر صنعتی ارتباط دهد.
او که در حضور وکیل مدافع خود سخن می گفت، خطاب به قضات دادگاه گفت: «حدیثه» یک پلنگ بود! و به پاتوق های خلافکاران رفت و آمد داشت! اگر من روزی دو گرم شیشه (مواد مخدر صنعتی) می خریدم او نیم گرم از آن را مصرف می کرد!
من او را فقط یک بار با سیم داغ تنبیه کردم چرا که مواد مخدرم را دزدیده بود!
به گزارش خراسان، در این هنگام قاضی شاکری با اشاره به گزارش پزشکی قانونی خطاب به متهم گفت: اما شما بیش از ۴۰ بار حدیثه را با سیم داغ سوزانده اید و بیش از ۳۰ بار نیز آتش سیگار را روی اندام حدیثه (مقتول) خاموش کرده اید؟ همه این ها به جز موارد سوختگی با آب جوش است! چه دفاعی دارید؟ متهم پاسخ داد او به دلیل سوزش زخم هایش شب ها از خواب می پرید و جیغ می کشید که من عصبانی می شدم! شب حادثه نیز حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد بود که دوباره از خواب پرید و من برای آن که عفونت زخم های روی بدنش را تمیز کنم، او را زیر دوش حمام بردم ولی نفهمیدم که آب داغ را باز کرده ام! به همین دلیل حدیثه جیغ می کشید که من با پشت دست به دهانش کوبیدم و او را به داخل آشپزخانه بردم و مقداری پماد روی سوختگی هایش مالیدم ولی او دچار تشنج شد.
در این هنگام همسرم را بیدار کردم و دخترک را به بیمارستان رساندیم! ولی «حدیثه» معتاد بود و خودش با سیگار بدنش را سوزانده است! و من نقشی در آن نداشتم!
در ادامه جلسه محاکمه متهم به قتل حدیثه، قاضی دنیادیده نیز براساس سال ها تجربه قضایی، متهم را در تنگنای سوالات فنی و تخصصی قرار داد به گونه ای که متهم فقط در برابر این سوالات سکوت می کرد چرا که می دانست هر پاسخی به این سوالات، او را در مخمصه ای می اندازد که خروج از آن با هیچ قصه و داستان سرایی های دروغین امکان پذیر نخواهد بود.
بنابر گزارش اختصاصی خراسان، جلسات محاکمه این متهم سنگدل در حالی با آخرین دفاعیات وی و وکیل مدافعش به پایان رسید که طبق ماده ۳۵۶ قانون مجازات اسلامی، معاون اول قوه قضاییه و با پیگیری های مجدانه قاضی صادقی (رئیس کل دادگستری خراسان رضوی) به عنوان ولی دم «حدیثه» برای متهم این پرونده جنایی تقاضای قصاص کرده بود.
قضات باتجربه شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پس از استماع دفاعیات متهم و با توجه به محتویات پرونده، گزارش های پزشکی قانونی و نیروی انتظامی، در نهایت رای خود را درباره این پرونده در حالی صادر کردند که با ریزبینی خاصی به همه موارد مطرح شده از سوی متهم و وکیل وی پاسخ دادند.
بنابر رای صادر شده، سیاوش به اتهام ارتکاب قتل عمد به قصاص نفس، به جرم کودک آزاری به تحمل شش ماه زندان و به خاطر ایجاد جراحت ها و سوختگی های عمدی به پرداخت ۱۱۸ درصد دیه (که بیشتر از دیه کامل یک مرد مسلمان است) محکوم شد.
در بخشی از رای قضات دادگاه بنا به ادعای کودک آزاری متهم در پی توهمات ناشی از مصرف مواد مخدر آمده است: اگر این ادعا حقیقت داشته باشد پس چرا سه فرزند دیگر متهم که تقریبا همسن و سال های حدیثه هستند هیچ گاه مورد شکنجه با سیگار و سیم داغ قرار نگرفته اند و این موارد فقط روی پیکر حدیثه رخ داده است؟! از سوی دیگر نیز قضات دادگاه کیفری یک خراسان رضوی با استدلال های دقیق، سطور اوراق این پرونده جنایی را درباره آثار ضربات وارد شده به سر مقتول، مورد کنکاش های قضایی قرار دادند و در نهایت بدون توجه به احساسات و با استنادات ریز بینانه قضایی و با ادله محکم قانونی، مهر قصاص نفس را پای این پرونده جنایی کوبیدند چرا که رای صادر شده از سوی شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

متهم به قتل حدیثه ۶ ساله هنگام بازجویی

عکس‌ها اختصاصی خراسان

فریب دختر جوان با ترفند خواستگاری و ازدواج

توکلی- چندی پیش دختر جوانی به همراه خانواده اش برای طرح شکایت از فردی به پلیس فتای کرمان مراجعه و در اظهاراتی بیان کردند، فردی ناشناس دختر جوان شان را تهدید کرده که اگر مبلغی پول به حسابش واریز نکند عکس هایش را در فضای مجازی منتشر خواهد کرد. به گزارش خراسان، در ادامه طی تحقیقات به عمل آمده از دختر جوان، وی گفت: مدتی قبل با فردی ناشناس از طریق شبکه اجتماعی تلگرام آشنا شدم و او به من قول ازدواج داد. وی افزود: تحت تاثیر حرف های این فرد قرار گرفتم و زود فریب خوردم و آن چه که نباید اتفاق بیفتد، برایم رخ داد. در ادامه نیز خانواده من را مجبور کرد به خاطر آبروی مان، مبلغ درخواستی را واریز کنیم اما آن فرد شیاد مدام پیام می دهد و مبالغ بیشتری را مطالبه می کند.
رئیس پلیس فتای استان کرمان با بیان این که فضای مجازی هیچ گاه بستر امنی برای دوستی، آشنایی، مراودات و طرح موضوعات خانوادگی نیست، از شناسایی این فرد که از طریق شبکه اجتماعی تلگرام دختران جوانی را به بهانه ازدواج اغفال کرده بود، خبر داد.
سرهنگ "یادگارنژاد" گفت: این دختر جوان باید ابتدا برای شناسایی فرد مقابل اقدام می کرد و موضوع را نیز در همان روزهای نخست با خانواده اش در میان می گذاشت و به همین سادگی فریب صحبت های طرف مقابل را نمی خورد.

تماس دختر ۱۷ ساله ربوده شده از داخل گونی!

دختر جوانی که برای خرید شارژ کارت از خانه شان در خرمشهر خارج شده بود در سناریوی مرموزی ناپدید و ربوده شد. به گزارش رکنا، چند روز قبل خبری مبنی بر ربوده شدن دختر ۱۷ ساله ای به نام فاطمه مطوری اهل شهرستان خرمشهر در فضای مجازی پخش شد که پدر این دختر در تماس با خبرنگار رکنا، توضیحاتی در این خصوص ارائه کرد.
پدر فاطمه گفت: یک سال و نیم قبل همسر و فرزندانم به مشهد رفتند و در آن جا ساکن شدند و هر چند وقت یک بار برای دیدن من به خرمشهر می آمدند تا این که ساعت ۱۲ ظهر پنج شنبه ۲۲ اسفند دخترم فاطمه برای خرید کارت شارژ در خیابان نعمت زاده نزدیک میدان ناصرخسروی شهر خرمشهر از خانه خارج شد و دقایقی بعد فاطمه با زبان عربی متنی برای خواهر دوقلویش ارسال کرد که نوشته بود، مرا ربودند و داخل یک گونی هستم که پس از دقایقی گوشی موبایلش خاموش شد. پدر فاطمه که مصطفی نام دارد ادامه داد: پس از شنیدن این خبر به سرعت به پلیس مراجعه و درخواست کمک کردم و خودم همراه بستگانم به خانه همه دوستان و آشنایان سرکشی کردیم اما هیچ ردی از دخترم به دست نیامد و این در حالی بود که دخترم مسلط به زبان عربی نیست و نمی دانم چطور این متن را نوشته و ارسال کرده است. سال گذشته نیز دختر ۱۴ ساله ای به نام مبینا کعبی در شهرستان خرمشهر ناپدید شده بود و پس از مدتی حدود دو هفته جسدش درون رودخانه کارون خرمشهر کشف شد و هنوز علت مرگ مبینا دختر خرمشهری در هاله ای از ابهام است و چند روز بعد از موضوع مبینا نیز شخصی در چند کیلومتری خانه مبینا قصد ربودن یک دختر نوجوان دیگر را از جلوی در خانه اش داشت که موفق نشده بود و امیدواریم سرنوشتی مشابه برای این دختر نوجوان رخ ندهد. بنابراین گزارش، تحقیقات پلیسی برای دستگیری و به دست آمدن یک سرنخ از فاطمه ادامه دارد.

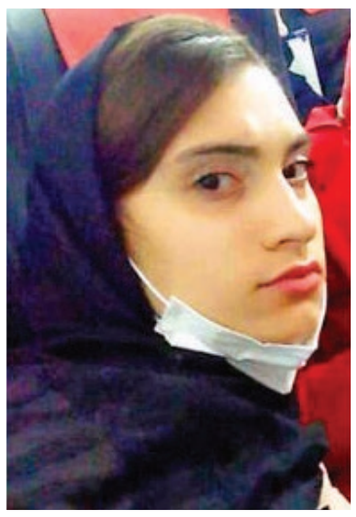

در امتداد تاریکی

سوءتفاهم!

فقط به خاطر یک سوءتفاهم ساده زندگی ام در آستانه نابودی قرار گرفته است اگر مهارت «نه» گفتن را می آموختم و به خاطر رودربایستی، آن مرد غریبه را به خانه ام راه نمی دادم امروز چنین آشفته و سرگردان نبودم و ۱۸ سال زندگی عاشقانه ام به باد فنا نمی رفت چرا که...
زن ۳۷ ساله در حالی که بیان می کرد اگر می دانستم این رفتار دلسوزانه من این گونه آبرویم را به باد می دهد داخل آسانسور می ایستادم و هیچ وقت وارد خانه خودم نمی شدم به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری میرزاکوچک خان مشهد گفت: دختری ۱۸ ساله بودم که عاشق پسر خاله ام شدم مهرش به دلم نشسته بود و به چیزی جز ازدواج با او نمی اندیشیدم «محمد» هم مرا عاشقانه دوست داشت و آشکارا به خانواده اش می گفت: فقط «عفت» را دوست دارم. وقتی یکی از بستگان پدرم در همین شرایط به خواستگاری ام آمد بی پرده مقابل پدرم ایستادم و به او گفتم من فقط «محمد» را دوست دارم! پدرم آن قدر از رفتارهای گستاخانه من ناراحت شد که تا چند هفته رفتار بسیار سردی با من داشت اما من نمی توانستم محمد را در سرنوشت و آینده ام نادیده بگیرم. خلاصه محمد به خواستگاری ام آمد و ما با وجود همه مشکلات با یکدیگر ازدواج کردیم اگرچه همسرم درآمد اندکی داشت ولی این زندگی عاشقانه با قناعت های من هر روز شیرین تر می شد تا این که صاحب دو فرزند پسر شدیم و مدتی بعد نیز منزل مناسبی خریدیم. زندگی من و محمد برای بسیاری از اطرافیانمان به یک الگو تبدیل شده بود دیگران از ما تعریف می کردند و من در جمع فامیل از همسرم تمجید می کردم چرا که احساسم این بود محمد را بیشتر از خودش دوست دارم خلاصه فرزندانم قد کشیدند تا این که پسر بزرگم در کلاس اول دبیرستان ترک تحصیل کرد و در یک اغذیه فروشی مشغول کار شد. آن جا با یکی از همکارانش که مردی باوقار و اهل استان فارس بود ارتباط برقرار کرد به طوری که آن مرد یکی از دوستان صمیمی پسرم شد چندین ماه از این ماجرا گذشت و آن مرد غریبه شغلش را عوض کرد چرا که به گفته پسرم، همسرش از این شغل ناراحت بود و نمی خواست شوهرش تا ساعت ۲ بامداد سر کار باشد. آن مرد غریبه در یک نانوایی فانتزی مشغول کار شد که در نزدیکی منزل ما بود به همین دلیل من هم گاهی برای خرید کیک و کلوچه فانتزی به فروشگاه آن ها می رفتم تا این که روزی آن مرد در حالی که با شرمساری سخن می گفت از من تقاضای ۲۰۰ هزار تومان پول قرضی کرد. او گفت: اجاره منزلش عقب افتاده و درآمدش کفاف هزینه های زندگی اش را نمی دهد من هم که تحت تاثیر احساسات قرار گرفته بودم مبلغ ۱۰۰ هزار تومانی را که همراهم بود به او دادم و از فروشگاه بیرون آمدم. چند ماه از این ماجرا گذشت و من مبلغی را که به او داده بودم به فراموش سپردم تا این که چند روز قبل وقتی از خرید به منزل بازگشتم با آن مرد غریبه مقابل مجتمع مسکونی روبه رو شدم. او بعد از احوالپرسی و قدردانی از این که مبلغ ۱۰۰ هزار تومان راهگشای زندگی اش شده، ادامه داد: اکنون برای بازگرداندن قرضم آمده ام. سپس از من خواست اگر امکان دارد اجازه بدهم از سرویس بهداشتی منزلم استفاده کند به خاطر اعتمادی که از قبل به او داشتم و از سوی دیگر هم در رودربایستی قرار گرفتم و نتوانستم در این شرایط به او نه بگویم این اجازه را به او دادم و خودم نیز که از آسانسور بیرون آمده بودم وارد خانه شدم اما هنوز چند دقیقه از این ماجرا نگذشته بود که ناگهان همسرم وارد خانه شد و با دیدن آن مرد غریبه که از سرویس بهداشتی بیرون می آمد همه چیز به هم ریخت. همسرم که باور نمی کرد مردی غریبه در منزلم باشد هزاران سوال بی پاسخ برایش به وجود آمد هر چه قسم خوردم که او فقط برای استفاده از سرویس بهداشتی به خانه آمده است و هیچ رابطه غیراخلاقی بین من و او وجود ندارد فایده ای نداشت گریه کنان به همسرم می گفتم من فقط به خاطر اعتماد و سادگی این اشتباه را مرتکب شدم ولی این حرف ها برایش باورپذیر نبود. دوست داشتم به پای همسرم بیفتم و به خاطر این اشتباه عذرخواهی کنم اگر می دانستم این دلسوزی زندگی ام را نابود می کند حداقل داخل آسانسور می ماندم تا آن مرد از سرویس بهداشتی منزلم خارج شود اکنون مدتی است همسرم را ندیده ام. او با حقارت مرا از منزل بیرون انداخت و حتی قفل ها را نیز عوض کرد تا دیگر به خانه اش بازنگردم حالا که زندگی ام در آستانه نابودی قرار گرفته است باز هم فریاد می زنم که همسرم را عاشقانه دوست دارم و من فقط قدرت «نه» گفتن نداشتم و...
شایان ذکر است به دستور سرهنگ محسن باقی زاده حکاک (رئیس کلانتری میرزاکوچک خان) تلاش کارشناسان اجتماعی کلانتری با دعوت از همسر این زن جوان برای حل مشکلات آنان آغاز شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

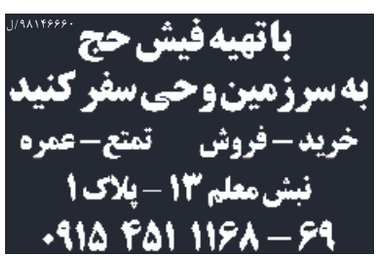

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com